



مقاله پژوهشی

بررسی انشاء^۱ مزرعه دولت‌آباد قم، از آغاز تا اضمحلال حسین راعی^{۱*}، محسن بیگلری^۲

۱- استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران

۲- پژوهشگر حوزه معماری و مرمت

(دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵، پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷)

چکیده

مزرعه دولت‌آباد در اوایل دوره قاجار، توسط شخصی به نام میرزا ابوالحسن‌خان، معروف به سیدکهنکی در پیرامون قم انشاء شده است. این مزرعه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مزارع مسکون تاریخی در فلات مرکزی ایران با الگوی قلاع کشتخوانی شکل گرفت و با استقرار افرادی از قوم لر بختیاری تا دوره پهلوی دوم و همزمان با اصلاحات ارضی در ایران به فعالیت خود ادامه داد.

مسئله اصلی تحقیق، روند روبه‌تزايد فرسایش و تغییر هویت کالبدی و کارکردی مزرعه دولت‌آباد است. این مزرعه پس از تبدیل شدن به روستا و با آغاز مهاجرت مزرعه‌نشینان به شهرهای اطراف، در حال متروکه شدن است. برخی از اهالی املاک خود را رها کردند، برخی در حال نوسازی بدون ضابطه هستند و برخی دگر به بازسازی مواریث خویش و بوم‌گردی روی آوردند. هم‌اکنون بخش‌هایی از کشت‌خوان مزرعه فعال است و بقایای عناصر کالبدی وابسته به آن از قبیل: آسیاب، آب‌انبار، کاروانسرا، قنات و قلعه کشتخوانی در حال ویرانی است.

در این تحقیق دو پرسش مطرح می‌شود: مزرعه دولت‌آباد دارای چه قابلیت‌های کالبدی و کارکردی بوده است؟ و چه عواملی در انشاء و اضمحلال مزرعه دولت‌آباد تأثیر داشتند؟ هدف از این پژوهش معرفی مزرعه دولت‌آباد با واکاوی در گذشته و حال آن است. به این دلیل سعی می‌شود از رویکرد تفسیرگرایی و رهیافت تفسیری تاریخی برای خوانش اسناد شفاهی، مکتوب و پیمایش آثار مادی استفاده می‌شود. استفاده از اسناد شفاهی و مصاحبه با مزرعه‌نشینان کنونی و بازمانده‌های پیشین در کنار بررسی‌های علمی و فنی در آثار باقیمانده، ابزارهای اصلی روش تحقیق را تشکیل می‌دهد.

پژوهش و غور در این باره نشان داده است که نظام‌های کالبدی و کارکردی و زیرنظام‌های اقتصادی، بهره‌برداری، معماری، اجتماعی و فرهنگی در انشاء مزرعه دولت‌آباد نقش داشتند و عواملی چون تغییر مالکیت‌ها، الغای تیولداری، اصلاحات ارضی دهه ۴۰ شمسی، ایجاد امنیت نسبی در کشور و عوامل زیست محیطی و اقلیمی موجب اضمحلال آن شدند. ثبت این مزرعه در فهرست آثار ملی کشور، اعطای کاربری گذشته در کنار صنایع تبدیلی همگون و استفاده از زمینه‌های مختلف گردشگری به ویژه فارم توریسم و آگری توریسم می‌تواند مسیرهایی برای حفاظت از نظام‌های کالبدی و کارکردی مزرعه دولت‌آباد در پیرامون قم قلمداد گردد.

کلمات کلیدی: انشاء، مزرعه تاریخی، دولت‌آباد قم، میراث کشاورزی، قلعه آقا

پرسش‌های پژوهش

۱. مزرعه دولت‌آباد دارای چه قابلیت‌های کالبدی و کارکردی بوده است؟

۲. چه عواملی در انشاء و اضمحلال مزرعه دولت‌آباد تأثیر داشتند؟

۱- مقدمه

پژوهش‌های مختلف درباره مزارع مسکون تاریخی در ایران (راعی و بهشتی، ۱۳۹۵؛ راعی، محمدمرادی و کاخکی، ۱۳۹۵ و راعی، ۱۳۹۲) نشان می‌دهد که دو عامل امنیت و اقتصاد در شکل‌گیری مزارع در دوره‌های مختلف تاریخی به ویژه از دوره سلجوقی تا دوره قاجار مؤثر بوده‌اند. این مجتمع‌های زیستی کوچک توسط مالک یا مالکینی به نام ارباب در اقصی نقاط کشور به ویژه در فلات مرکزی ایران و مناطق شرقی و جنوبی آن به وجود آمدند. تولید کشاورزی و دامداری و تبدیل آن به توان اقتصادی و سرمایه اجتماعی مهم‌ترین هدف آن‌ها بوده است. ارباب می‌توانست با گردآوری رعیت‌هایی از طایفه‌های متعدد که تعداد آن‌ها گاه به بیش از سیصد نفر می‌رسید، اولین قدم را برای ایجاد یک مزرعه اربابی بردارد. در قدم بعدی برای سکونت آن‌ها به‌طور معمول قلعه‌هایی ساخته می‌شد و به هر خانواده یک اتاق تعلق می‌گرفت. کارگران مزرعه در قلعه زندگی می‌کردند و در کشت‌خوان‌های اطراف به کار کشاورزی و دام‌پروری در خدمت ارباب می‌پرداختند و گاه در ازای زندگی و سکونت در قلعه، حقوقی از مالک دریافت نمی‌کردند. این فرآیند و شبکه تولید سنتی برای ارباب، درآمد اقتصادی و شأن اجتماعی و سیاسی ایجاد می‌کرد، برای دولت و دیوان درآمد مالیاتی در پی داشت و برای حکومت، امنیت و کنترل رعیت‌ها و مردم منطقه را تسهیل می‌نمود. به این ترتیب یکی از تأثیرگذارترین شبکه اجتماعی در طول سالیان متمادی نبض اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مملکت را در دست داشت و قالب متمولین، دولتمردان و سیاست‌ورزان، علاقه ویژه‌ای به مزرعه‌داری داشتند و از هر یک از آن‌ها مزرعه اربابی به یادگار مانده است.

در قم نیز براساس گزارشاتی که غلامحسین افضل‌الملک، (۱۳۵۵) در دوره قاجار برای ناصرالدین‌شاه تهیه کرده است، مزارع زیادی وجود داشته است. براساس «کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم» در این دوره قنوات، باغات و مزارع قم به‌طور معمول دارای مالک و ارباب بوده‌اند و محصولات کشاورزی و باغی مناسبی تولید می‌کردند. مزارعی مانند: قاضی‌بالا، البرز، دولت‌آباد، سزاوار، چشمه‌علی و کهک محصول تلاش مالکان، اربابان و رعیت‌ها در دوره قاجار بودند و هم اکنون نیز بقایای آن‌ها در پیرامون قم دیده می‌شود.

مزرعه دولت‌آباد نیز تابع نظام شکل‌گیری و انشاء مزارع مسکون تاریخی در ایران و قم بوده است. این مزرعه در محدوده وسیع و مسطحی در ۴ کیلومتری غرب قمرود قرار دارد و به‌طور تقریبی ۶۰ کیلومتر با شهر قم فاصله دارد. شخصی به نام میرزا ابوالحسن‌خان معروف به سیدکَهکی، آن را در اواخر دوره زند و سپس دوره قاجار بر مبنای تولید کشاورزی و دامداری شکل داد و رعیت‌هایی را از طایفه‌های بختیاری به این مکان گسیل داشت (یادداشت‌های منتشرنشده عبدالله باقری، ۱۳۸۵: ۹۱-۸۵). او قلعه کشت‌خوانی را برای زیست و زندگی آن‌ها مهیا کرد و زمین‌های کشاورزی و آب رودخانه قمرود را در اختیار آن‌ها قرارداد. پس از او پسرانش به تدریج عناصر دیگری را براساس نیاز مزرعه‌نشینان به این مجتمع زیستی کوچک الحاق نمودند و نام مزرعه را «دولت‌آباد» نهادند.

مسئله اصلی تحقیق، روند روبه‌تزايد فرسایش و تغییر هویت کالبدی و کارکردی مزرعه دولت‌آباد است هم‌اکنون مزرعه دولت‌آباد در تقسیم‌بندی‌های اداری و سیاسی تبدیل به روستا شده‌است. برخی در حال نوسازی بدون ضابطه هستند و تعدادی از بازماندگان مزرعه در قلعه زندگی می‌کنند و قصد دارند آن را تبدیل به یک مقصد گردشگری کنند. هم‌اکنون بخش‌هایی از کشت‌خوان مزرعه فعال است و بقایای عناصر کالبدی وابسته به آن از قبیل، آسیاب، آب‌انبار، کاروانسرا، قنوات و قلعه کشت‌خوانی در حال ویرانی است و موارد با اهمیتی از نظام‌های کالبدی و کارکردی که باعث نضج مزرعه دولت‌آباد شده‌اند و بسیاری از اطلاعات و داده‌های مستتر در آن قابل رمزگشایی هستند. هدف از این پژوهش، معرفی یک مزرعه اربابی در فلات مرکزی ایران و آشنایی جوامع علمی با آن است. به این دلیل سعی می‌شود با

رهیافت تفسیری و راهبرد تفسیری تاریخی به موضوع نزدیک شد و در قالب مطالعات میدانی، نگرش‌سنجی و سندپژوهی به سؤالات تحقیق درباره چگونگی انشاء مزرعه دولت‌آباد و شناسایی عوامل نضج و اضمحلال آن پاسخ داد.

۲- پیشینه تحقیق

درباره ویژگی‌های مزارع مختلف در قم منابع لندکی وجود دارد. در این ارتباط می‌توان نخست به کتاب تاریخ قم (قمی، ۱۳۸۵) اشاره کرد. قمی در این کتاب به مزارع حومه قم، ساوه و تفرش در قرن ۴ ه.ق پرداخته است. پس از آن غلامحسین افضل‌الملک، (۱۳۵۵) در «کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم» کلیه مزارع و قنوت موجود در قم را توصیف می‌کند. او در کتاب دیگری به نام «تاریخ و جغرافیای قم» نیز مزارع و محصولات کشاورزی در این منطقه را تشریح می‌کند (افضل‌الملک، ۱۳۹۶) اما در هیچ یک از منابع به مزرعه دولت‌آباد اشاره نشده است. به طور احتمال این منطقه از دایره ایالتی قم در آن زمان خارج بوده است. پس از آن فاطمه قاضیها، (۱۳۸۱) در کتاب «سفرهای ناصرالدین شاه به قم» به معرفی برخی از مزارع قم از دیدگاه ناصرالدین شاه می‌پردازد و در ادامه مفلسی قمی، (۱۳۹۱) در «تحفه الفاطمین فی ذکر احوال قم و القمیین» و محمدتقی ارباب، (بی‌تا) در کتاب «تاریخ دارالایمان قم»، نیز اماکن تاریخی و باستانی قم را معرفی می‌کنند و به چندین مزرعه اشاره می‌کنند و سیدمحسن محسنی، (۱۳۹۳) در کتاب «صدرالممالک اردبیلی و موقوفه نصرت‌آباد قم» به‌طور ویژه مزرعه نصرت‌آباد قم و قلعه صدری اشاره می‌کند و وقف‌نامه منتسب به آن را شرح می‌دهد. در این کتاب می‌توان به چگونگی انشاء و مدیریت یک مزرعه اربابی و وقفی پی برد. در هیچ‌یک از این منابع نیز به مزرعه دولت‌آباد اشاره نشده است. اطلاعات اولیه کنونی درباره این مزرعه توسط عبدالله باقری، (۱۳۸۵) در قالب یادداشت‌های منتشرنشده‌ای جمع‌آوری شده است که محصول مصاحبه ایشان با یکی از نوادگان مالک مزرعه است. اطلاعات مزبور به عنوان سندشفاهی در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. به جزء آن، طرح هادی این محدوده از طرف بنیادمسکن انقلاب اسلامی در حال تهیه است که حاوی اطلاعات میدانی درباره وضعیت کنونی آن است اما نیمه‌تمام باقی مانده است. بنابراین پیشینه دسته‌بندی شده‌ای درباره این مزرعه دیده‌نشده است و در این وضعیت؛ مطالعات میدانی بر روی مزرعه، مصاحبه و سندپژوهی می‌تواند در فرآیند پژوهش تأثیرگذار باشد. علاوه بر آن، مطالعه تطبیقی با مزارع دیگر در کشور نیز می‌تواند به فرآیند تحقیق کمک کند. اما درباره ماهیت کلی مزارع مسکون تاریخی در منابع ذیل اطلاعات مناسبی یافت می‌شود. در منابعی چون؛ تاریخ کاشان، (ضرابی، ۱۳۳۵) به صورت مبسوط به مزارع کاشان و مناطق همجوار، مالکین و محصولات آن‌ها پرداخته شده است. در وقف‌نامه‌های موجود در کتب ربع‌رشیدی (الهمدانی، ۱۳۵۰)؛ جامع‌الخیرات (حسینی، ۱۳۳۰)؛ اسناد معماری ایران (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۸)؛ نگرشی بر مهرنامه‌های عصر قاجار در بیرجند (مکرمی‌فر و علی‌زاده، ۱۳۸۵)؛ بر ساحل کویر نمک (یغمایی، ۱۳۶۹) یادگارهای یزد (افشار، ۱۳۷۴)؛ اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد (پسندیده، ۱۳۹۴) به معرفی مزارع، نام آن‌ها، میزان جمعیت، نوع محصولات و مالیات اشاره شده است. این وقف‌نامه‌ها هریک به مناطق ویژه‌ای در فلات مرکزی و شرق ایران اختصاص دارند. علاوه بر آن حضور مزارع مسکون تاریخی در اسناد تاریخی و جغرافیای تاریخی معتبر نیز مشهود است. در منابعی چون، (لمتون، ۱۳۹۴: ۱۹۶)؛ (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۶۶)؛ (ناصرالدین شاه، ۱۳۵۴: ۱۶۳)؛ (نجم‌الملک، ۱۳۴۱: ۲۰)؛ (منشی، ۲۵۳۶: ۷۴)؛ (اعظم واقفی، ۱۳۷۴: ۱۴۶)؛ (ظل‌السلطان، ج ۲، ۱۳۶۸: ۵۵۱)؛ (خوانساری ابیانه، ۱۳۷۸: ۶۶)؛ (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸ ج ۴: ۱۹۳۵) و.. به مزارع مسکون تاریخی و ویژگی‌های آن‌ها در دوره قاجار و پهلوی در قلب بلوک‌گردشی، سفرهای تحقیقاتی، گزارش‌های حکومتی و دیوانی پرداخته شده است. در پژوهش‌های جدیدتر نیز می‌توان به کتاب و مقاله‌های مختلفی از (راعی و بهشتی، ۱۳۹۵؛ راعی، محمدمرادی و کاخکی، ۱۳۹۵؛ راعی، ۱۳۹۶ و راعی، ۱۳۹۲) درباره مزارع مسکون تاریخی در یزد، کاشان و نیاسر اشاره کرد.

۳- روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش، کاربردی است و با رویکرد تفسیرگرایی و راهبرد تفسیری تاریخی به موضوع نزدیک می‌شود و سعی می‌کند تا با تفسیر اسناد و منابع اشاره شده پاسخی درخور برای سؤالات تحقیق بیابد. تحقیق پیش‌رو با منابع و آثار مادی مانند، بقایای مزرعه دولت‌آباد مواجه است که قابلیت پیمایش میدانی دارد و مورد بررسی، برداشت و عکاسی قرار خواهد گرفت.

علاوه بر آن منابع شفاهی وجود دارند که شامل جامعه علمی و پژوهشی و تعدادی از اخلاف مزرعه‌نشینان و مالکین خواهند بود. آن‌ها اطلاعات مناسب و قابل اتکائی درباره قابلیت‌های کارکردی و کالبدی مزرعه دولت‌آباد دارند و از طریق مصاحبه در اختیار محقق قرار خواهند داد. منبع دیگر اسناد تاریخی و جغرافیای تاریخی است که تحقیق را در جهت شناخت و معرفی مزارع یاری می‌رساند. مجموع اطلاعات منتج از منابع یادشده، یافته‌های تحقیق را شکل می‌دهند و در قالب نظام‌های کالبدی و کارکردی دسته‌بندی می‌شوند. سپس در بخش تحلیل با تفسیر یافته‌ها به دلایل نضج و اضمحلال مزرعه دولت‌آباد پرداخته می‌شود و به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌رسد.

۴- انشاء مزرعه دولت‌آباد

مقصود از انشاء مزرعه دولت‌آباد، چگونگی آفرینش و شکل‌گیری آن است. به طور معمول، انشاء یک مزرعه بر دو نظام کالبدی و کارکردی و زیر مجموعه آن استوار است (راعی، ۱۳۹۶: ۲۴۱). ترکیب و هم‌افزایی نظام‌های اشاره شده می‌توانست سالیان متمادی یک مزرعه اربابی را زنده نگهدارد و برعکس نابودی یکی از نظام‌ها دراز بین‌رفتن نظام دیگر و در نتیجه تغییر کارکرد کل مزرعه تأثیرگذار باشد. به همین دلیل در بررسی انشاء این مزرعه می‌بایست به نظام‌های شکل‌دهنده آن، از قبیل نظام‌های کالبدی، اجتماعی، فرهنگی اقتصادی و بهره‌برداری توجه داشت (راعی، ۱۳۹۹: ۶۸).

۴-۱- نظام کالبدی مزرعه دولت‌آباد

در بررسی نظام کالبدی این مزرعه به مواردی چون، موقعیت و مکانیابی، دوره ساخت، الگوی ساخت، منابع آبی، عناصر کالبدی و کاربری زمین پرداخته می‌شود:

- موقعیت و مکانیابی

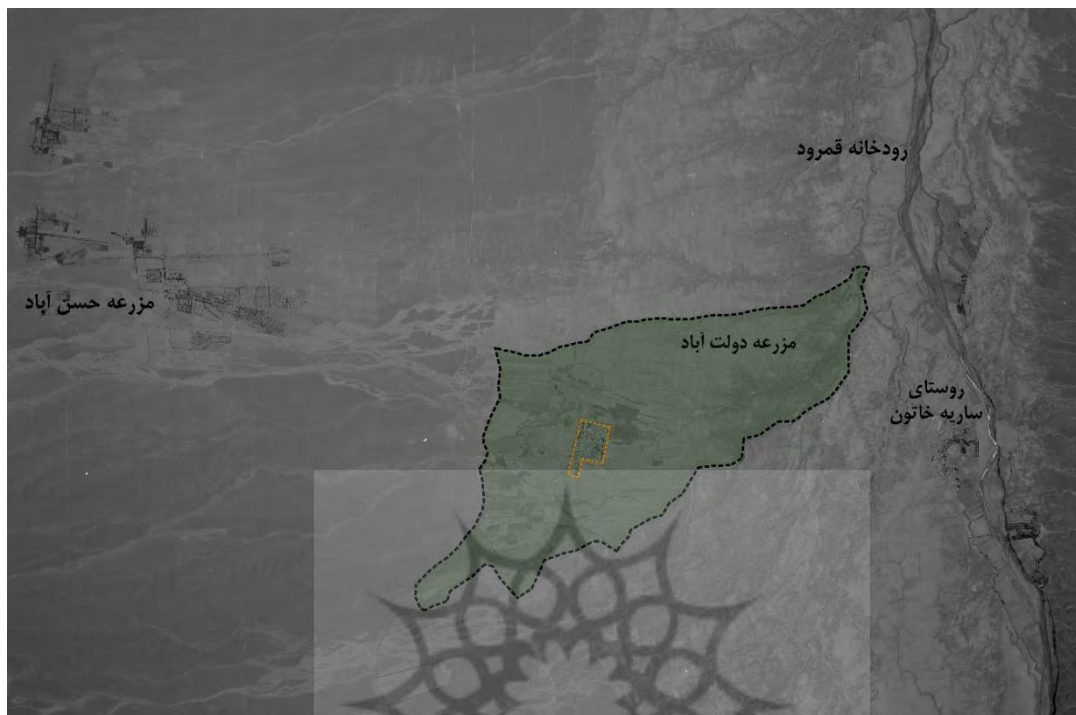
به‌طور معمول متغیرهایی چون منابع آبی، ثبات، امنیت و راه‌های دسترسی در مکان‌یابی و تعیین موقعیت مزارع مؤثر بوده‌اند (همان، ۲۳۴). مزرعه دولت‌آباد نیز در بازه زمانی اواخر دوره زندیه تا دوره قاجار در پهنه مسطحی از پیرامون قم کنونی شکل گرفت. موقعیت آن در قرابت با قم رود و انارود تعیین گردید (تصویر ۱). آب آن‌ها با استفاده از یک بند به مزرعه هدایت می‌شد. این آب علاوه بر مزرعه دولت‌آباد، مجتمع‌های زیستی پیرامون مانند، مزرعه حسن‌آباد و روستای ساریه‌خاتون را نیز پوشش می‌داد (مصاحبه با استاد شیرازی از اهالی مزرعه دولت‌آباد، ۱۳۹۸).



تصویر ۱: موقعیت مزرعه دولت‌آباد نسبت به مجموعه‌های زیستی پیرامون (Google Earth, 2019)

در این دوره به دلیل ثبات ایجاد شده مزارع زیادی در قم به وجود آمدند. معتبرترین آن مزرعه نصرت‌آباد و قلعه صدری است که هم‌اکنون نیز توسط اخلاف صدرالممالک در حال مرمت و احیاء است. مالک مزرعه دولت‌آباد «میرزا

ابوالحسن خان معروف به سید کهکی» نیز از این فرصت استفاده کرد و این مزرعه را به مساحت تقریبی ۷۷ هکتار بنیان نهاد (طرح هادی روستای دولت‌آباد، ۱۳۹۶). بقایای این مزرعه هم‌اکنون در دهستان نیزار در جنوب بخش سلفچگان قم قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۵۴۷ متر است (تصویر ۲).



تصویر ۲: موقعیت مزرعه دولت‌آباد نسبت به مجموعه‌های زیستی پیرامون آن در عکس هوایی ۱۳۴۷ ه.ش

- الگوی ساخت

براساس بررسی‌های به عمل آمده در گونه‌شناسی مزارع مسکون تاریخی در ایران، تاکنون دو گونه اصلی به نام‌های، دسکره‌های کشتخوانی و مجموعه‌های کشتخوانی دیده شده است (مرادی، کاخکی و راعی، ۱۳۹۵: ۱۱). مزرعه دولت‌آباد براساس گونه دسکره‌های کشتخوانی شکل گرفته است (تصاویر ۳ و ۴). در این گونه، دسکره یا قلعه کشتخوانی به عنوان محور اصلی مزرعه مطرح است. زندگی و سکونت در قلعه جاری است و کشتخوان‌ها و زمین‌های زراعی در اطراف قلعه به وجود می‌آیند. مزرعه نشینان روزها را در کشتخوان‌ها به کار مشغول بودند و شب‌ها برای استراحت و خواب به قلعه می‌آمدند. در داخل قلعه برای هر خانواده یک یا دو اتاق در نظر گرفته شده بود. این خانواده‌ها ممکن بود از یک یا دو طایفه مختلف باشند. قلعه مزرعه دولت‌آباد به «قلعه آقا» معروف بود.

- مالکیت

مالکیت عامل مهمی در انشاء و حتی اضمحلال یک مزرعه قلمداد می‌شود. مزارع تاریخی در طول زمان، نظام‌های مختلف مالکیتی را تجربه کردند و برپایه اسناد تاریخی به طور معمول با چهار نوع مالکیت شخصی (اربابی)، وقفی، دیوانی (دولتی) و خالصه (شاهی) در ایران دیده شده‌اند (فوران، ۱۳۷۸: ۵۷ و پولاد، ۱۳۶۱: ۳۵۱). اما در زمینه نوع مالکیت مزرعه دولت‌آباد و همچنین نام مالکین، پژوهش دسته‌بندی شده‌ای وجود ندارد. به نظر می‌رسد پیشینه مالکیت مزرعه به شخصی به نام میرزا ابوالحسن خان معروف به سید کهکی می‌رسد. او در دستگاه زندیه دارای دولت بود اما در دوره قاجار از کار برکنار و گوشه نشینی اختیار کرد و به دلیل دارا بودن تفکرات همسو با فرقه اسماعیلیه به عنوان رهبر مذهبی این فرقه در منطقه مشغول به فعالیت شد. او این مزرعه را بنیان و نام دولت‌آباد بر آن نهاد. پس از او فرزندش خلیل خان در بازه زمانی ۱۱۹۴ تا ۱۲۳۰ ه.ق مزرعه دولت‌آباد را در مالکیت خود داشت. پس از مرگ او مالکیت به فرزندش حسن علی

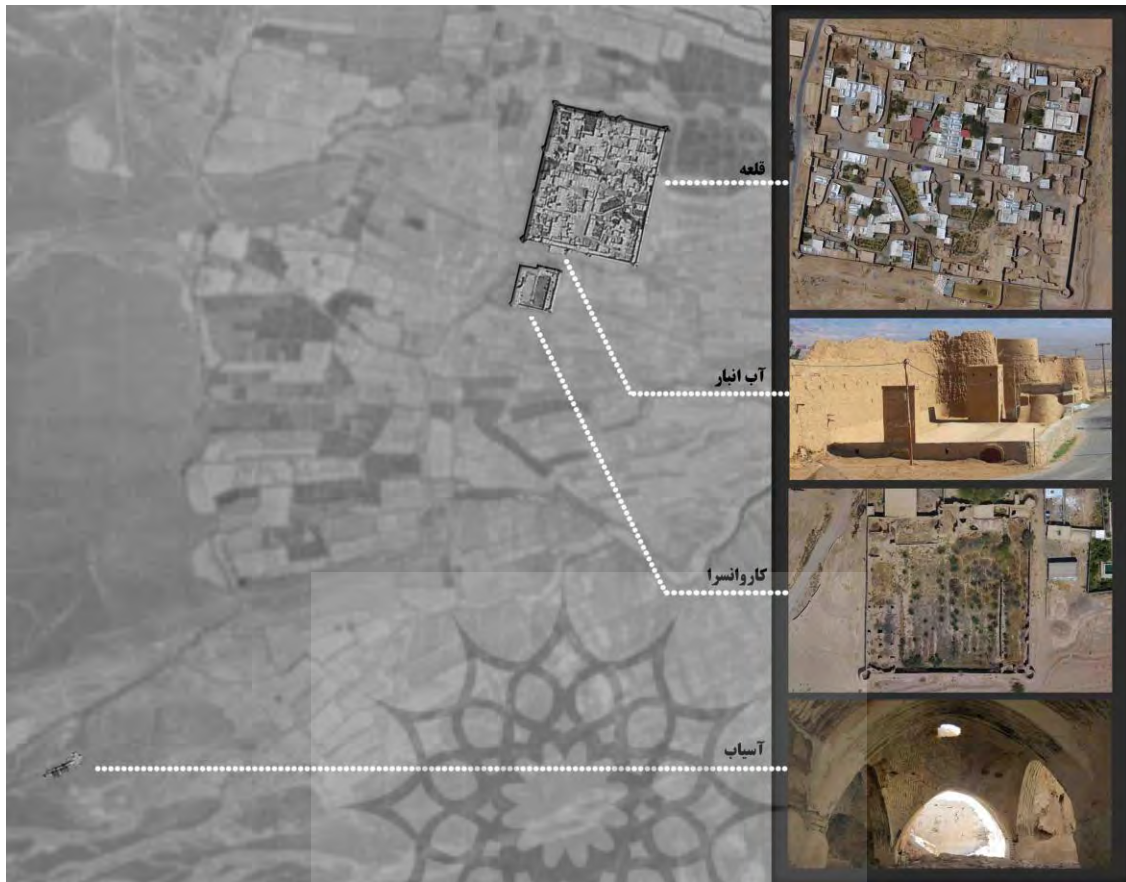
شاه می‌رسد. او نیز ارتباط مذهبی با فرقه اسماعیلیه داشت و لقب او آقاخان بود. این لقب را فتح‌لیشاه به او اعطاء کرده بود (یادداشت‌های منتشرنشده عبدالله باقری، ۱۳۸۵: ۹۱-۸۵). براساس این سند شفاهی او در بازه زمانی ۱۲۱۲ تا ۱۲۵۰ هـ.ق مزرعه را مدیریت و مالکیت کرده است به همین دلیل نام مزرعه را قلعه آقا نیز می‌گویند. بنابراین نظام مالکیت مزرعه دولت‌آباد، شخصی و اربابی بوده است.



تصویر ۳: الگوی دساگر کشتخوانی در مزرعه دولت‌آباد. انطباق عکس‌های هوایی سال‌های ۱۳۴۷ و ۱۳۹۶ شمسی

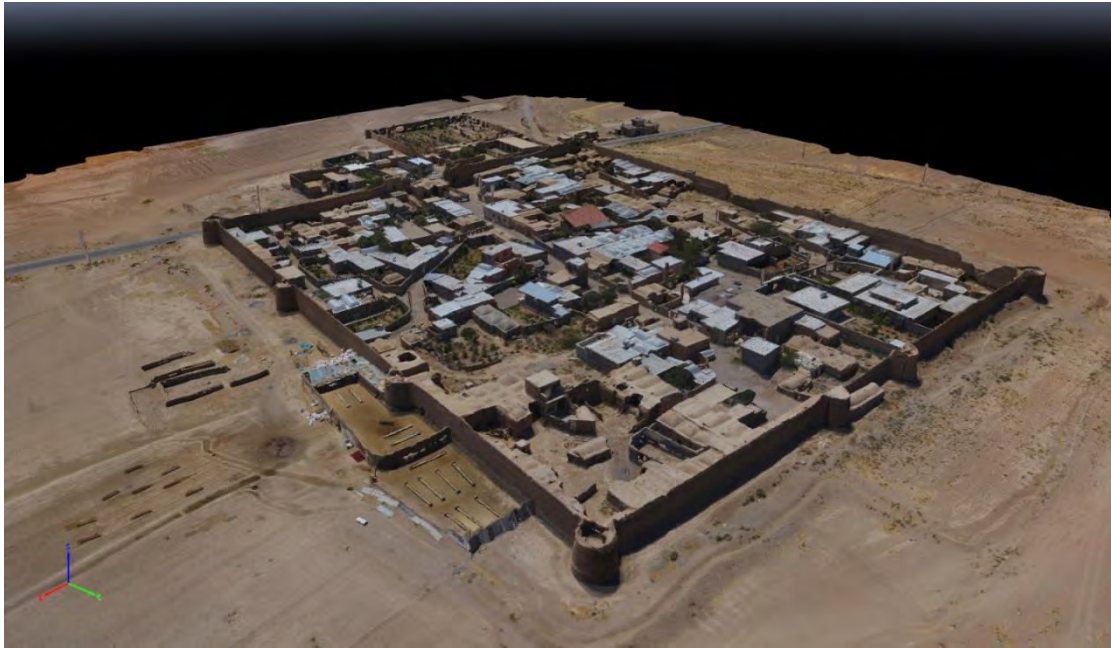
– عناصر کالبدی و کاربری زمین

مزرعه دولت‌آباد قم، در گونه دسکره کشتخوانی قرار می‌گیرد و هنوز زندگی با سنت‌های باقیمانده از دوران پیشین (به طور احتمال پیش از دوره قاجار) در مقیاس کوچکی در آن جریان دارد. این مزرعه از یک قلعه با خانه‌های اربابی و رعیتی، معابر، محله‌ها، عناصر خدماتی و مذهبی، مانند مسجد، حمام تاریخی، آب‌انبار، آسیاب، کاروانسرا، کشتخوان‌ها و زمین‌های زراعی، جوی آب و مسیر قنات تشکیل شده است. برخی از این عناصر، مانند حمام و مسجد که جزء ضروریات زندگی مزرعه‌نشینان بوده‌اند در داخل قلعه وجود دارند و برخی دیگر به واسطه کاربری‌هایی که دارند در بیرون از قلعه جانمایی و احداث شده‌اند (تصویر ۴).



تصویر ۴: کاربری زمین و موقعیت عناصر کالبدی در مزرعه دولت‌آباد (عکس هوایی سال ۱۳۴۷ شمسی).

قلعه دولت‌آباد (آقا) در زمینی با مساحت تقریبی ۳ هکتار، با پلانی به شکل مستطیل، در پهنه دشت و در جهت شمالی جنوبی با اندکی چرخش به سمت شرق احداث شده است (تصاویر ۵ و ۶). بنا دارای دو ورودی در جنوب و شمال است. مجموعه ورودی جنوبی که در میان دو برج قرار گرفته و به عنوان ورودی اصلی به شمار می‌رود، دارای سردری با قوس تیزه‌دار بوده که در طرفین آن طاق‌نماهای آجری تعبیه شده است. هم‌اکنون بخش‌هایی از قوس‌های آجری تخریب شده و شکل ورودی قلعه نیز تغییر یافته است. حد فاصل ورودی قلعه و فضای داخلی، یک هشتی با پوشش کاربندی از نوع ۱۶ ضلعی و دو صفه و اتاق‌های کوچک در طرفین آن ساخته شده است. درمحور اصلی ورودی معبر اصلی (شاه‌کوچه قلعه) قرار گرفته است که به معابر فرعی منتهی شده و دسترسی به بافت درونی و فضاهای مسکونی را فراهم می‌کند. دورتادور قلعه، بارویی به ارتفاع حدود ۸ متر از نوع چینه‌گلی و ۱۲ برج با پلان دایره احداث شده است. بناهای داخل قلعه اغلب یک طبقه و با مصالح خشتی است. وجود فضاهای یک و دو طبقه، معابر و بناهای عام‌المنفعه در کنار ویژگی‌های دفاعی آن نشان از تفکر اولیه مالک برای احداث یک مجتمع زیستی دارد.



تصویر ۵: کاربری زمین و عناصر کالبدی متعلق به مزرعه دولت‌آباد در عکس اورتوفوتو، ۱۳۹۸

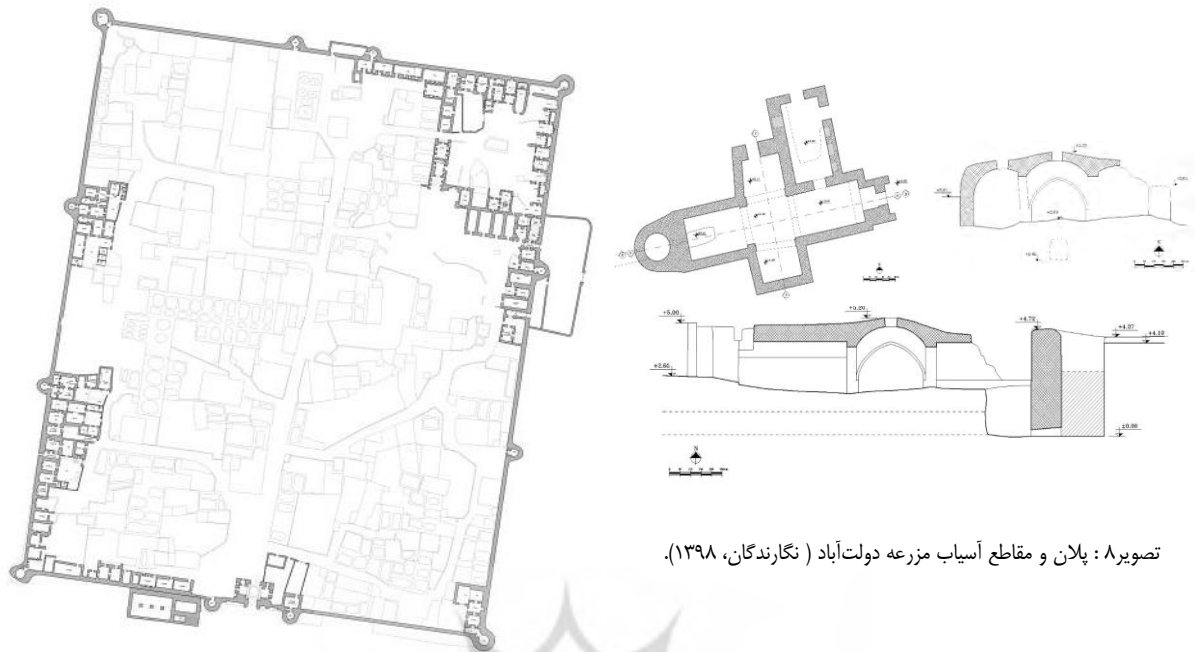


تصویر ۶: برج و باروهای جبهه شمالی قلعه کشتخوانی آقا در مزرعه دولت‌آباد قم

بررسی‌های میدانی و شواهد موجود نشان می‌دهد که پس از انتخاب زمین، برج‌ها و باروها به همراه دو ورودی جنوبی و شمالی به‌طور کامل ساخته شده و پس از محصور شدن زمین، فراهم شدن امنیت نسبی و کنترل شرایط اقلیمی از جمله باد و طوفان، فضاهای داخلی به آن اضافه شده است. قلعه آقا دارای محلاتی به نام بیخ کوه، محله لُرها، محله مسجد، محله چهارمحالی‌ها و محله بیخ قلعه بوده است.

کاروانسرا نیز به عنوان یکی از عناصر وابسته به مزرعه دولت‌آباد در روبروی قلعه و در مقیاسی کوچک‌تر با فاصله اندک از قلعه قرار گرفته است (تصویر ۷). به نظر می‌رسد این مزرعه در مسیر دسترسی تجاری در مقیاس محلی و منطقه‌ای بوده است و مالکین مزرعه نیز بخشی از تولیدات کشاورزی و زراعی را برای فروش در نقاط دیگر، در کاروانسرا انبار و بارگیری می‌کردند. علاوه بر آن بخشی از مهمانان مزرعه، رهگذران و حتی خواص نیز در این محل پذیرایی می‌شدند (یادداشت‌های منتشر نشده عبدالله باقری، ۱۳۸۵: ۹۱-۸۵). آب‌انبار نیز در مزرعه دولت‌آباد، نزدیکترین محل در خارج از ورودی قلعه را به خود اختصاص داده است (تصویر ۴). دلایل مختلفی را برای جانمایی آب‌انبار می‌توان متصور شد. با توجه به اینکه دروازه قلعه شب هنگام برای حفظ امنیت بسته می‌شد؛ قرارگیری آن در میان دو بنای قلعه و کاروانسرا، دسترسی به آب را برای هر دو امکانپذیر می‌کرد (مصاحبه با علیرضا کدخدازاده، ۱۳۹۸). از طرفی رهگذران نیز برای رفع تشنگی در شبانه‌روز از این آب بهره می‌بردند. در ضمن نگهداری و سلامت آب داخل مخزن، نیاز بیشتری به پایش و

مراقبت داشت؛ زیرا هرگونه آلودگی احتمالی، بیماری‌های بسیاری را متوجه ساکنین و رهگذران می‌کرد. بنابراین آب‌انبار در حدفاصل دو برج نگهداری و جنب دیوار جنوبی قلعه ساخته شده است تا احاطه کامل به مایه حیات وجود داشته باشد.



تصویر ۸: پلان و مقاطع آسیاب مزرعه دولت آباد (نگارندگان، ۱۳۹۸).



تصویر ۷: پلان و نمای قلعه آقا در مزرعه دولت آباد (نگارندگان، ۱۳۹۸).

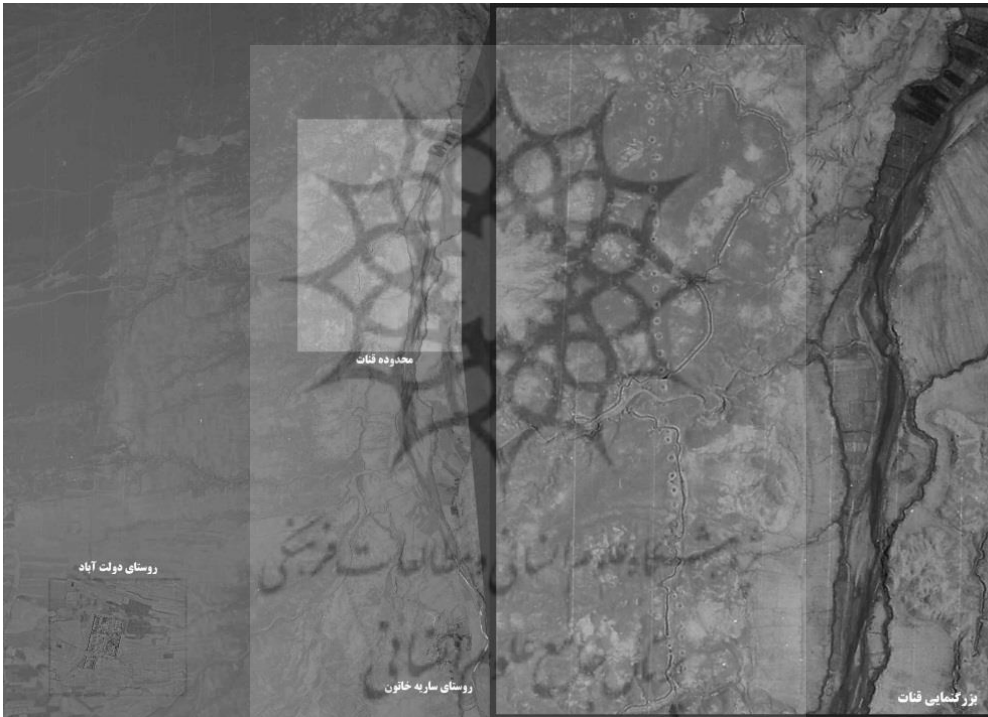
علاوه بر آن، وجود آسیاب آبی در میان کشتخوان‌ها نشان از خودکفایی مزرعه در تولید آرد بود. آسیابی که علاوه بر مزرعه دولت آباد، آرد مزارع و برخی از روستاهای کوچک را نیز تولید می‌کرده است. محل آسیاب بستگی به مسیر انتقال آب به روستا داشت. جوی آبی که از بند دودهک به سمت مزرعه دولت آباد روانه می‌شد پیش از رسیدن به زمین‌های کشاورزی، تنوره آسیاب را پر می‌کرد و پس از به چرخش درآوردن سنگ آسیاب، خارج شده و کشتخوان‌ها را سیراب می‌کرده است (تصویر ۸).

– منابع آبی

به طور معمول در مزارع تاریخی از منابعی چون؛ چشمه، رودخانه، چاه و قنات برای آبرسانی به اهالی مزرعه و کشتخوان‌ها استفاده می‌شد. مزرعه‌نشینان از چاه‌های دستی برای شستشو و از قنات و چشمه برای آب آشامیدنی استفاده می‌کردند (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۲۶۹). در مزرعه دولت آباد نیز از قنات و رودخانه برای آبرسانی استفاده شده است. براساس عکس هوایی سال ۱۳۴۷ شمسی تعداد زیادی پشته کوره قنات در جبهه شمال و غرب مزرعه دیده می‌شود (تصویر ۱۰). همچنین براساس اسناد شفاهی از پیران و سالمندان مزرعه، بخشی از آب موردنیاز کشتخوان‌ها از رودخانه اناررود تأمین می‌شد (تصویر ۹) و با استفاده از یک بند و مجرا به قلعه، آسیاب و آب‌انبار می‌رسید (مصاحبه حضوری با استاد ابوالحسن گرامی و استاد شیرازی، ۱۳۹۸).



تصویر ۹: نظام بهره‌برداری آب رودخانه اناررود در مزرعه دولت‌آباد.



تصویر ۱۰: بهره‌برداری از قنات در مزرعه دولت‌آباد، عکس هوایی سال ۱۳۴۷ شمسی، سازمان نقشه‌برداری کشور.

۴-۲- نظام کارکردی در مزرعه دولت‌آباد

انشاء یک مزرعه با هم‌کناری نظام کارکردی و نظام کالبدی قوام می‌یافت. نظام کارکردی مظهر نظام کالبدی و دارای زیرمجموعه‌هایی چون، نظم اقتصادی، نظم اجتماعی و نظم فرهنگی بوده‌است (راعی، ۱۳۹۹: ۶۸). مالکین مزرعه به طور معمول پس از ساخت قلعه، آدمیانی را از طایفه‌های مناطق اطراف به قلعه آورده و سکونت می‌دادند. این جمعیت برای انجام امور محوله از طرف مالک دارای ساختار اجتماعی ویژه‌ای شامل؛ مباشر، دشتبان، خوش‌نشین، زارع، رعیت، آسیابان، حمامی بودند (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۱۸۱) و براساس سلسله مراتب تعیین شده از طرف مالک فعالیت می‌کردند. در

بیرون از مزرعه نیز افرادی چون محاسبین، مساحان و مأموران حکومتی به مزرعه متصل بوده و امور مربوط به خراج و مالیات را سامان می‌دادند (طالب و عنبری، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۳).

۴-۲-۱- نظم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این نظم در ذیل نظام کارکردی برپایه حق نسق یا قانون زراعت استوار بود و عوامل پنج‌گانه تولید، از قبیل بذر، نیروی کار، زمین زراعی، آب و نیروی شخم (صافی نژاد، ۱۳۶۸: ۴۳) بر آن تأثیرگذار بود. در بررسی این نظم در مزرعه دولت‌آباد به موضوعاتی چون؛ جمعیت، سلسله مراتب اجتماعی، طایفه، مذهب، نوع محصولات کشاورزی و صنایع دستی پرداخته می‌شود.

- جمعیت و سلسله مراتب اجتماعی

در منابع مکتوب و اسناد جغرافیای تاریخی جمعیت هر مزرعه از ۵ تا ۵۰۰ نفر در قالب ۲ تا بیش از ۲۰۰ خانوار ذکر شده است (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۸۳ و اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۹۴۰) اما تاکنون منبعی یافت نشده است که تعداد دقیق جمعیت مزرعه‌نشینان در مزرعه دولت‌آباد را در زمان شکل‌گیری ارائه کند. اسناد معتبر در این زمینه نشان می‌دهد که جمعیت آن در سرشماری سال ۱۳۴۵ شمسی ۲۹۷ نفر بوده و در سال ۱۳۹۵ به ۲۲ نفر در قالب ۱۳ خانوار رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). به این ترتیب این مزرعه به‌طور احتمال دارای جمعیتی بیش از ۳۰۰ نفر تا دوره پهلوی دوم بوده است. کل این جمعیت در درون قلعه و زیر نظر مالک یا ارباب زندگی می‌کردند (تصاویر ۱۱ و ۱۲). میرزا ابوالحسن خان اولین مالک مزرعه دولت‌آباد بود. پس از او خلیل خان و حسن علی‌شاه ملقب به آقاخان ارباب مزرعه بودند. در دوره پهلوی نیز مزرعه دولت‌آباد توسط دو ارباب به نام‌های حاج حسین اردهالی و مرتضی خان قیصری مدیریت می‌شد. این دو نفر در داخل مزرعه حضور دائم نداشتند و در تهران سکونت داشته‌اند اما در زمانی که به مزرعه می‌آمدند در کاروانسرای جلوی قلعه ساکن می‌شدند و امور دفتری و اقتصادی مربوط به مزرعه و تجارت ایشان در همان محل صورت می‌گرفت. نظارت و پایش مزرعه در نبود ارباب، توسط مباشرین انجام می‌شد. غلامحسین عصاریان به عنوان مباشر حاج حسین اردهالی و غریب رضا کدخدازاده به عنوان مباشر مرتضی خان قیصری در مزرعه فعالیت می‌کردند. محل زندگی آن‌ها نیز در داخل قلعه و پشت مسجد قرار داشت. کدخدا، دشتبان، حمامی، آسیابان، میرآب، سردنگ و خوش‌نشین از طبقه رعیت انتخاب می‌شدند (مصاحبه با علیرضا کدخدازاده، ۱۳۹۸).

انتخاب کدخدا نیز فرآیند ساده‌ای داشت. فردی که مورد اعتماد همگان بود توسط مردم و رعیت به عنوان کدخدا انتخاب می‌شد. غریب رضا کدخدازاده علاوه بر شغل مباشری به عنوان کدخدا نیز انتخاب شده بود و سالانه گندم و جو و محصولات دیگر به عنوان حق سفره به او پرداخت می‌شد. علاوه بر آن، مزرعه دولت‌آباد دارای دشتبان، آسیابان، حمامی و میرآب نیز بود. مباشرین به صورت مشترک، یک نفر را به عنوان دشتبان برای کل مزرعه انتخاب می‌کردند. آخرین دشتبان مزرعه دولت‌آباد، مرتضی علیمردانی نام داشت که در اتاق جبهه شرقی مجموعه ورودی (اتاق مخصوص اسکان دشتبان) سکونت داشت. وظیفه نظارت بر ورود و خروج رعیت و غریبه‌ها به داخل قلعه، نظارت بر جابجایی محصولات، پرکردن آب سنگاب جلوی قلعه از آب‌انبار به صورت روزانه و ... برعهده دشتبان بود. در این مزرعه رحمت حاج باقری، میرآب بود، ابوالفضل ابراهیمی مسئول حمام (حمامی) داخل قلعه و حسن راهجردی نیز به عنوان آسیابان فعالیت داشت. بیشترین جمعیت مزرعه، مربوط به دهقانان و زارعان می‌شد. برخی از افراد نیز به عنوان خوش‌نشین در قلعه سکونت داشتند و به عنوان کارگر به صورت فصلی، مشغول فعالیت بودند (همان، ۱۳۹۸). اتاقی نیز در جبهه غربی مجموعه ورودی به نام غریب‌نشین قرار داشت و برای اسکان موقت میهمانان، رهگذران و غریبه‌ها احداث شده بود (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱: موقعیت عناصر خدماتی در مزرعه دولت‌آباد.
 ۱- حمام ۲- محل استقرار میاشین ۳- مسجد ۴- محل استقرار دشتیان ۵- غریب نشین ۶- آب انبار ۷- کاروانسرا

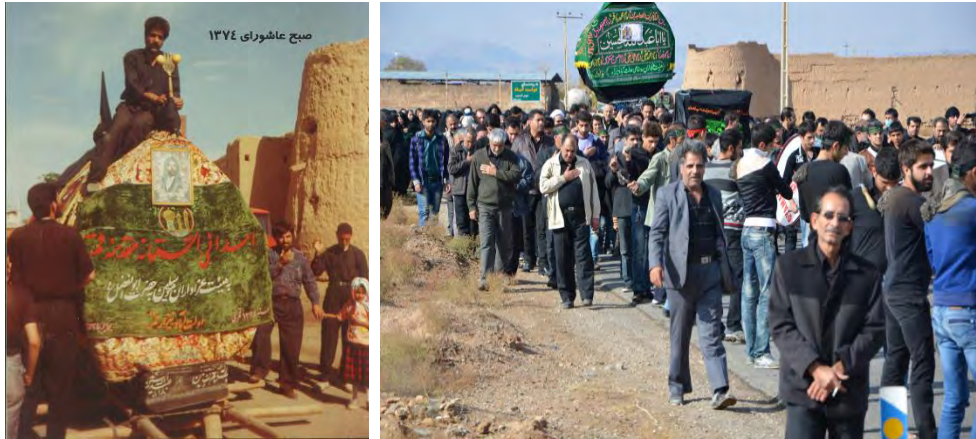


تصویر ۱۲: هرم اجتماعی در مزرعه دولت‌آباد

- طایفه و مذهب

در بین ساکنین مزرعه دولت‌آباد به لحاظ اجتماعی و فرهنگی در حال حاضر تفاوت معنی‌داری به چشم نمی‌خورد. تمامی ساکنین مسلمان و شیعه مذهب بوده‌اند. هم اکنون ۴ خانواده اصلی به نام‌های علی‌مردانی، کدخدازاده، باقری و شیرازی در این قلعه ساکن هستند. به طور احتمال و بنا بر مصاحبه با برخی از مزرعه‌نشینان به ویژه مشهدی ولی‌الله ۹۱ ساله، تعدادی از رُهای بختیاری در دوره قاجار به این قلعه می‌آیند و تحت حمایت ارباب مزرعه به کار و زندگی مشغول می‌شوند (عبدالله باقری، ۱۳۸۵). اشتراک طایفه با مذهب در اهالی مزرعه مولود سنت‌های ملی و مذهبی نیز بود. آئین

نخل گردانی از سنت‌های بسیار قدیمی مزرعه دولت آباد بود که هنوز هم برای عزاداری امام حسین (ع) در همیاری با اهالی روستای ساریه‌خاتون برگزار می‌شود. در گذشته مزارع با مجتمع‌های زیستی پیرامون ارتباط اجتماعی و فرهنگی داشتند و براین اساس سنت‌ها و آئین‌های اشتراکی نیز شکل می‌گرفت (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳: مراسم نخل گردانی عاشورا در کنار قلعه مزرعه دولت آباد (راست: ۱۳۹۵ و چپ: ۱۳۷۴)

- محصولات کشاورزی و صنایع دستی

به‌طور معمول تولیدات اقتصادی در مزارع به کشاورزی، زراعت و دامداری محدود می‌شد و ممکن بود هر مزرعه با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی به کشت محصول خاصی مبادرت ورزد. در کنار آن زنان مزرعه (تصویر ۱۴) نیز به امور روزمره و ساخت صنایع دستی یا هنری سنتی مانند؛ قالی بافی، جاجیم بافی و نخ‌ریسی مشغول بودند (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۳۰۴).

پیشه اصلی مزرعه‌نشینان دولت آباد کشاورزی و دامداری بوده است. محصولاتتی چون پنبه، گندم، جو، یونجه، خربزه، هرنندی (نوعی علوفه برای دام)، چغندر، آفتابگردان و صیفی جات در این مزرعه کشت و برداشت می‌شد و در کاروانسرا بارگیری و به مناطق دیگر حمل می‌گردید. هر خانه دارای گوسفند، بز، گاو و طیور بود. به همین دلیل فضاهایی مانند آغل، اصطبل و انبار هم اکنون نیز در قلعه دیده می‌شود (مصاحبه با علیرضا کدخدازاده، ۱۳۹۸).



تصویر ۱۴: حضور زنان قلعه و مزرعه در انجام امور روزمره

۴-۳- جمع‌بندی نظام‌های کالبدی و کارکردی در مزرعه دولت‌آباد

توضیحات ارائه شده در بالا و دسته‌بندی انشاء مزرعه دولت‌آباد براساس نظام‌های پیش‌گفته نشان می‌دهد که این مزرعه برپایه نظام‌ها و زیرمجموعه‌های آن شکل گرفته و توانسته است از دوره پیش از قاجار تا دوره پهلوی دوم به فعالیت ادامه دهد و بقایای آن نیز هم اکنون در دسترس قرار دارد. در جداول ۱ تا ۳ به زیرمجموعه‌های نظام‌های کالبدی و کارکردی در این مزرعه اشاره شده است:

جدول ۱: زیرمجموعه نظام کالبدی در مزرعه دولت‌آباد

مزرعه مسکون	موقعیت (میزان فاصله از نزدیک ترین مجتمع زیستی)	دوره‌ی شکل‌گیری	عناصر کالبدی موجود	الگوی ساخت	مصالح و تزئینات	مساحت کل
دولت‌آباد	۶۰ کیلومتری شهر قم و ۳۰ کیلومتری مرکز بخش (شهر سلفچگان) قرار دارد. نزدیک‌ترین روستاها به دولت‌آباد، روستای حسن‌آباد و ساریه خاتون می‌باشند.	دوره قاجار و به طور احتمال پیش از آن (زندیه) و الحاقاتی از دوره پهلوی و معاصر	قلعه آقا، خانه- های رعیتی، مسجد، آب انبار، آسیاب، کاروانسرا، قنوت، حصار و برج‌های دیده بانی، کشت‌خوان	الگوی دساکر کشتخوانی	خشت، گل، آجر، چوب، گچ، آهک و مصالح سنتی دیگر	تقریباً ۷۷ هکتار محدوده قلعه ۳ هکتار

جدول ۲: زیرمجموعه نظام کارکردی / نظم اقتصادی و بهره‌برداری در مزرعه دولت‌آباد

مزرعه مسکون	نوع بهره‌برداری	میزان فعالیت	نوع مالکیت	نوع محصولات کشاورزی و زراعت	نوع دام
دولت‌آباد	خصوصی و اربابی	نیمه فعال و کمتر از نیمه فعال	در گذشته اربابی اما هم اکنون در اختیار بازماندگان مزرعه‌نشینان	پنبه، گندم، جو، یونجه، خربزه، هرنندی (نوعی علوفه برای دام)، چغندر، آفتابگردان و صیفی‌جات	گوسفند، بز و گاو

جدول ۳: زیرمجموعه نظام کارکردی / نظم اجتماعی و فرهنگی در مزرعه دولت‌آباد

مزرعه مسکون	نوع/میزان جمعیت	میزان فعالیت	صنایع رایج	طایفه و قوم	دین / مذهب	زبان / گویش
دولت‌آباد	در گذشته بیش از ۳۰۰ نفر اما در سال ۱۳۹۵ به ۲۲ نفر در قالب ۱۳ خانوار رسیده است	نیمه فعال	کشاورزی، باغداری و دامداری قالی‌بافی در گذشته بوده اما رایج نیست.	لُر بختیاری. هم اکنون ۴ خانواده اصلی به نام‌های علی‌مردانی، کدخدازاده، باقری و شیرازی در این قلعه ساکن هستند.	اسلام/ تشیع	گویش لُری و زبان فارسی در هم اکنون

۵- اضمحلال مزرعه دولت‌آباد

براساس اسناد تاریخی اولین نشانه‌ها از وجود مزارع تاریخی در ایران مربوط به دوره سلجوقی است. پس از آن در دوره‌های ایلخانی و صفوی نیز به تکامل می‌رسند و سپس در اواخر دوره قاجار تا دوره پهلوی دوم به اضمحلال نزدیک می‌شوند (راعی و بهستی، ۱۳۹۵: ۷۴). در مسیر رشد تا اضمحلال، عوامل مختلفی در سطح کلان و خرد تأثیر داشتند و مزرعه دولت‌آباد نیز گریزی از این تأثیر و تأثرات نداشته است. همان‌گونه که بیان شد این مزرعه در دوره قاجار توسط میرزا ابوالحسن خان معروف به سید کهکی به عنوان مالک اصلی با جمع‌آوری تعدادی از اقوام لر بختیاری و ساختن قلعه کشتخوانی انشاء گردید. قرار بود محصولاتی مانند پنبه، گندم و جو در مقیاس وسیعی تولید و از طریق کاروانسرای کنار مزرعه بارگیری و به نقاط دیگری ارسال و فروخته شود. در کنار آن هریک از رعیت‌ها در مقیاس کوچکی به نگهداری از دام و طیور و تولید صنایع دستی می‌پرداختند. این فرآیند از دوره مالکیتی سید کهکی، خلیل‌خان تا حسن‌علی‌شاه ادامه یافت. در این بازه زمانی، مزرعه دولت‌آباد با نظام کالبدی، اقتصادی و اجتماعی که در بالا تشریح شد به فعالیت مشغول بود تا زمانی که در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی اولین مجلس شورای ملی تیول‌داری را لغو کرد و اساس و بنیان مالکیت اربابی را زیر سؤال برد. پس از آن اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ شمسی مالک‌های مزرعه را مجبور به تحدید مالکیت کرده و از آن‌ها خواست تا خانه، مسکن و یا زمینی که رعیت در آن به زندگی و کار گماشته شده بود را به او ببخشند و در عوض سهام کارخانجات صنعتی را از دولت دریافت نمایند (بشریه، ۱۳۹۳: ۵۲). با اتمام این دوره و به وجود آمدن امنیت نسبی و ساخت جاده‌ها، تزلزل در بنیان مزرعه دولت‌آباد هویدا شد. رعیت‌ها به بیرون از قلعه آقا آمدند و پس از ستاندن سهم خود داخل قلعه را تقسیم‌بندی کردند و با ساخت دیوارهای بلند حیاط، معماری آن را دگرگون کردند. در این زمان (دوره پهلوی دوم) مزرعه دولت‌آباد توسط دو ارباب به نام‌های حاج حسین ارده‌الی و مرتضی‌خان قیصری مدیریت می‌شد. آن‌ها در تهران به سر می‌بردند و در ایام خاصی از سال به ویژه در زمان درو و تقسیم محصولات به مزرعه می‌آمدند و سهم اربابی می‌ستاندند و دارای مباشر ویژه خود نیز بودند (مصاحبه با علیرضا کدخدازاده، ۱۳۹۸). بنابراین تغییر مالکیت در این دوره توانسته بود آسیب جدی به مزرعه وارد کند و این مجموعه اقتصادی یکپارچه و واحد را از مدار تولید خارج نماید.

پس از اصلاحات ارضی تا انقلاب ۱۳۵۷ نیز هریک از رعیت‌ها در زمین‌های خود کشت می‌کردند و مستقل شده بودند و برخی از آن‌ها به شهرهای دور و نزدیک مهاجرت کرده و زمین‌های خود را فروختند و برخی دیگر در مزرعه ماندند تا زمانی که این مزرعه تبدیل به روستا شد. با تبدیل مزرعه به روستا ساخت و سازهای بی‌قاعده‌ای از قبیل ایجاد خانه‌های جدیدتر در داخل و خارج از قلعه قوت گرفت، جاده بین روستایی براساس مسیر تجاری پیشین آسفالت شد و با مهاجرت اغلب مزرعه‌نشینان قدیم و روستائیان جدید به خارج از دولت‌آباد، زمین‌های زراعی رها شده و تولیدات کشاورزی و دامداری تنزل پیدا کرد. هم‌اکنون پس از گذشت سال‌ها از انشاء مزرعه دولت‌آباد تعداد ساکنین قلعه از ۳۰۰ نفر به ۲۲ نفر رسید و اثری از یک مجتمع زیستی کوچک به نام مزرعه با قابلیت‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی نیست. هم‌اکنون دولت‌آباد به جای ارباب توسط شورای اسلامی روستا مدیریت می‌شود و با توجه به مهاجرت ساکنین و جمعیت اندک باقیمانده در آن، نهاد مردمی به نام «انجمن مالکین روستا» تأسیس شده است تا موضوعات مربوط به کشاورزی، زراعت، حفظ و نگهداری اماکن، نهرآب، استخر و چاه و مشارکت‌های مالی و معنوی دیگر را مدیریت کند. فرزندان و بازماندگان مزرعه‌نشینان نیز درباره مزرعه‌بودن این قلعه و پیشینه آن آگاهی لازم را ندارند و این عدم آگاهی نیز به عنوان یک عامل به اضمحلال مزرعه دولت‌آباد کمک کرده است. بنابراین می‌توان ۶ عامل را در اضمحلال مزرعه دولت‌آباد مؤثر دانست که در تبدیل یک بنگاه اقتصادی و اجتماعی خودکف‌آباد به نام مزرعه به یک روستای بدون تولید و وابسته تأثیر مستقیم داشته‌اند:

۱- عوامل زیست محیطی، اقلیمی و زمان به‌عنوان مهم‌ترین عامل در رشد و اضمحلال مزرعه دولت‌آباد مطرح هستند.

۲- تغییر مالکیت‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی در اضمحلال مزرعه مؤثر بودند.

۳- الغای تیول داری در مجلس مشروطه و اواخر دوره قاجار نیز در این زمینه بی‌تأثیر نبود.
۴- وجود امنیت نسبی در دوره پهلوی اول موجب شد تا قلعه کشتخوانی مزرعه دولت‌آباد کارکرد خود را از دست بدهد.

۵- اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم به عنوان عامل متأخر در اضمحلال این مزرعه تأثیر داشت.
۶- در حال حاضر نیز کمبود شناخت و فهم درباره مزرعه در بین مالکان و مسئولان علاوه بر عوامل اقلیمی و محیطی موجب فراموشی و نابودی این اثر شده است.

۶- نتیجه‌گیری

دولت‌آباد مزرعه‌ای است که در دوره قاجار توسط یک ارباب شکل گرفت. او توانست با ساخت قلعه کشتخوانی و گردآوری تعدادی از رعیت‌ها در داخل قلعه، آن‌ها را برای تولیدات کشاورزی و دامداری به کار بگمارد. پس از او فرزندان و نوادگان او نیز مزرعه را توسعه دادند و تا دوره پهلوی این امر ادامه داشت. سرگذشت مزرعه دولت‌آباد از انشاء تا اضمحلال می‌تواند الگوی مناسبی برای مطالعه و پژوهش بر روی یک مزرعه اربابی در دوره قاجار باشد.

دولت‌آباد دارای عناصر وابسته کالبدی تحت نظر ارباب و با مالکیت او بود. این مزرعه یک قلعه کشتخوانی برای سکونت، کاروانسرا برای تجارت، آسیاب برای تأمین مایحتاج و خوراک، آب‌انبار برای تأمین و دسترسی به آب برای ساکنین و رهگذران، زمین کشاورزی و کشتخوان برای کشت و کار و تولید محصولات و نظام آبرسانی قنات برای تأمین آب کشاورزی و ساکنین بود. به جزء آن، آدمیانی نیز در این مزرعه و عناصر کالبدی مشغول به فعالیت بودند. ارباب و مباشر، مزرعه را مدیریت می‌کردند، دشتبان محصول حفاظت از دشت و آسیابان مسئول تهیه آرد بود. مقنی‌ها، قنات را پایش می‌کردند و اهالی قلعه نیز به کشت و کار و چرای دام می‌پرداختند. بنابراین مجموعه‌های از نظام‌های کالبدی و کارکردی براساس آنچه که در جدول ۱ تا ۳ تشریح شده است موجب انشاء و تداوم جریان زندگی در مزرعه دولت‌آباد شده بود.

این مقاله هم‌اکنون با مزرعه‌ای روبروست که در برهه‌ای از زمان به دلایل مختلف تشریح شده در مقاله و برپایه عوامل شش‌گانه زیست محیطی و اقلیمی، تغییر مالکیت، الغای تیول داری، وجود امنیت نسبی، اصلاحات ارضی و کمبود فهم و شناخت از مزرعه در حال حاضر به روستا تبدیل شد، خودکفایی نسبی و مزایای تولید کشاورزی و دامداری خود را از دست داد و هم‌اکنون وابسته به شهر و مجتمع‌های زیستی اطراف است. این اضمحلال تاحدی مخرب بود که مزرعه‌بودن آن نیز در اذهان دیگران فراموش شده است. به نظر می‌رسد اولین قدم در حفاظت از این مزرعه، صیانت از پیشوند «مزرعه» در کنار «دولت‌آباد» است. بنابراین لازم است روستای دولت‌آباد با عنوان «مزرعه دولت‌آباد» در اسناد اداری، ثبتی و سیاسی دیده شود سپس می‌توان با حفاظت از ویژگی‌ها و نظام‌های کالبدی و کارکردی آن براساس مقتضیات زمان و مکان به احیاء این مزرعه دست یازید.

پی‌نوشت

1- انشاء به معنای آفرینش، ایجاد و خلق کردن است (دهخدا ۱۳۲۵) و سازمان انشاء در این تحقیق به معنای تشکیلات مرتبط با ایجاد و مدیریت مزرعه از نضج تا اضمحلال است.

زگوهردان نه از هستی فزونی اندرین معنی / که جز یک چیز را یک چیز نبود علت انشاء (ناصرخسرو)

منابع

- ادوارد پولاک، یاکوب. (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- ارباب، محمدتقی. (بی‌تا). تاریخ دارالایمان قم، به کوشش سیدحسین مدرس طباطبایی، تهران.

- افشار، ایرج. (۱۳۷۴). یادگارهای یزد، معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد، ج ۱ و ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چ دوم.
- افضل الملک، غلامحسین. (۱۳۹۶). تاریخ و جغرافیای قم، تهران: انتشارات وحید
- _____ . (۱۳۵۵). «کتابچه تفصیل و حالات دارالایمان قم»، در: مجله فرهنگ ایران زمین، ش ۲۲، صص ۱۵۰-۶۷.
- اعظم واقفی، سید حسن. (۱۳۷۴). میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز، ج اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۶۸). مرآت البلدان، ج ۱ و ۴، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الهمدانی، رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۵۶). وقف نامه ربع رشیدی، به کوشش مجتبی مینوی و ایرج افشار، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- بشیریه، حسین. (۱۳۹۳). «فروپاشی دولت مطلقه»، ترجمه علی اردستانی، در: مهرنامه، ش ۳۸.
- پسندیده، محمود. (۱۳۹۴). اسناد و موقوفات مدارس تاریخی حوزه علمیه مشهد، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- توانگر مروستی، مجید. (۱۳۹۴). قلعه روستاهای تاریخی منطقه هرات و مروست استان یزد، انتشارات سبحان نور.
- شیخ الحکمایی، عمادالدین و دیگران. (۱۳۸۸). اسناد معماری ایران، دفتر اول، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- حکمت یغمایی، عبدالکریم. (۱۳۶۹). بر ساحل کویر نمک، تهران: انتشارات توس.
- حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین. (۱۳۴۱). جامع الخیرات، به کوشش ایرج افشار، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: انتشارات فرهنگ ایران‌زمین.
- راعی، حسین. (۱۳۹۶). «در جستجوی مزارع مسکون اربابی در نیاسر»، در: مجموعه مقالات همایش باغهای تاریخی، دانشگاه کاشان، صص ۲۵۱-۲۳۰.
- راعی، حسین. (۱۳۹۹). «نظام شکل دهنده در معماری مزارع تاریخی با نگاه به مزارع طرازآباد، گورت و نهچیر»، در: نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، دانشگاه یزد، سال هشتم، ش ۱۱، صص ۷۵-۴۹.
- _____ . (۱۳۹۶). یادداشتهایی از آثار تاریخی ایران ۲ (نیاسرنامه)، انتشارات ایران نگار با همکاری معاونت میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- _____ . (۱۳۹۷). فهم و تقرب به مفاهیم حفاظت از مزارع مسکون تاریخی، رساله دکتری رشته حفاظت معماری، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان.
- راعی، حسین، اصغر محمدمرادی و احمد صالحی کاخکی. (۱۳۹۵). «آغازی بر فهم مزارع مسکون تاریخی در یزد»، در: مجله علمی و پژوهشی پژوهش‌های معماری اسلامی، دانشگاه علم و صنعت، سال چهارم، ش ۴، صص ۱۹-۱.
- راعی، حسین و سیدمحمد بهشتی. (۱۳۹۵). «مزارع مسکون تاریخی در ایران؛ از آغاز تا دوره صفویه»، در: مجله علمی و ترویجی اثر، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ش ۷۴، صص ۲۲-۱.
- صفی نژاد، جواد. (۱۳۶۸). بنة (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طالب، مهدی و موسی عنبری. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی روستایی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم.
- طرح هادی روستای دولت‌آباد. (۱۳۹۶).
- ظل‌السلطان، مسعودمیرزا. (۱۳۶۸). خاطرات ظل‌السلطان، ج ۱، ۲، ۳، به اهتمام و تصحیح حسین خدیوچم، تهران: انتشارات اساطیر.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا. (۱۳۸۳). مسافرت نامه کرمان و بلوچستان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر.
- فوران، جان. (۱۳۷۸). مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفوی تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، چ دوم.
- قاضیه‌ها، فاطمه. (۱۳۸۱). سفرهای ناصرالدین شاه به قم، تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- قمی، حسن بن عبدالملک قمی. (۱۳۸۵). تاریخ قم، تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، انتشارات زایر- آستانه مقدسه.
- کلاتر ضرابی، عبدالرحیم (سپهیل کاشانی). (۱۳۳۵). تاریخ کاشان، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- لمتون، ا.ک.س. (۱۳۴۵). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- محسنی، سیدمحسن. (۱۳۹۳). «صدرالممالک اردبیلی و موقوفه نصرت آباد قم» در: مرزبان فرهنگ، قم: نورمطاف، ج ۲
- مکرمی فر، ابوالفضل، زهرا علیزاده بیرجندی، کثوم کاظمی و محمدرضا سروش. (۱۳۸۵). نگرشی بر مهرنامه‌های عصر قاجار در بیرجند، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور.
- مفلسی قمی، حسین ابن محمدحسین. (۱۳۹۱). تحفه الفاطمین فی ذکر احوال قم و القمیین، قم: بنیاد قم پژوهی، ج ۲
- منشی، محمدعلی. (۲۵۳۵). سفرنامه رکن‌الدوله (گزارش محمد حسین مهندس به مؤیدالدوله)، به کوشش محمد گلبن، تهران: انتشارات سحر.
- ناصرالدین شاه قاجار. (۱۳۵۴). سفرنامه خراسان، زیر نظر ایرج افشار، تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- نجم‌الملک، حاج میرزا عبدالغفار. (۱۳۸۵). سفرنامه خوزستان، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- یادداشت‌های منتشرنشده عبدالله باقری، (۱۳۸۵).

مصاحبه‌ها

- مصاحبه با استاد ابوالحسن گرامی، (۱۳۹۸).
- مصاحبه با استاد شیرازی، (۱۳۹۸).
- مصاحبه با علیرضا کدخدازاده، (۱۳۹۸).



Original Research Article

Study of Dulatabad Farmstead Creation in Qom, from the beginning to the end

Hosein Raie^{1*}, Mohsen Biglari²

1-Assistant Professor, School of Architecture and Environmental design,
Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

2- Researcher in Architecture and Conservation

Abstract

Dulatabad Farmstead was set up around Qom in the early Qajar era by a person named Mirza Abolhasan Khan known as Seyed Kahaki. This Farmstead was formed as one of the most important historical farmstead in the central plateau of Iran mimicking the Keshtkhani castles patterns and continued to operate with the deployment of people from the Lor Bakhtiari tribe until the second Pahlavi period coinciding with land reform in Iran. After that, it became a village and abandoned as farmers began to migrate to the surrounding cities. Parts of the Keshtkhan are now active Farmsteads with the remnants of physical elements such as; the mill, aqueduct, caravanserai, wells and Keshtkhani castle can be seen in this place.

The main issue of the research is the increasing destruction of the whole farm of Dulatabad and its identity change in the shadow of forgetfulness and unawareness of farm dwellers, officials and scientific communities. This research introduced two questions:

How was Dulatabad Farmstead created? What factors affected the creation and demolition of Dulatabad Farmstead? This study aimed to introduce Dulatabad Farmstead by analyzing its past and present forms. For this, an attempt was made to use an interpretive and historical-interpretive approach to study the written documents and delve into the material work. Oral documents and interviews with current and previous farm dwellers, as well as scientific and technical studies on the remaining works, constitute the main tools of the research method.

Research on this regard reveals that physical and functional systems and economic, exploitation, architectural, social and cultural sub-systems played a role in the creation of Dulatabad Farmstead and factors such as; changes in ownership, abolition of feudum, land reform in the 1940s, relative security in the country, and environmental and climatic factors led to its disintegration. Registration of this Farmstead in the list of national monuments, granting of past use along with homogeneous conversion industries and using of it for different fields of tourism, especially farm and agro-tourism can be considered as ways to protect physical and functional systems of Dulatabad Qom Farmstead.

Keywords: Creation, historical Farmstead, Dulatabad, Qom, Agricultural heritage, Ghale' Agha